

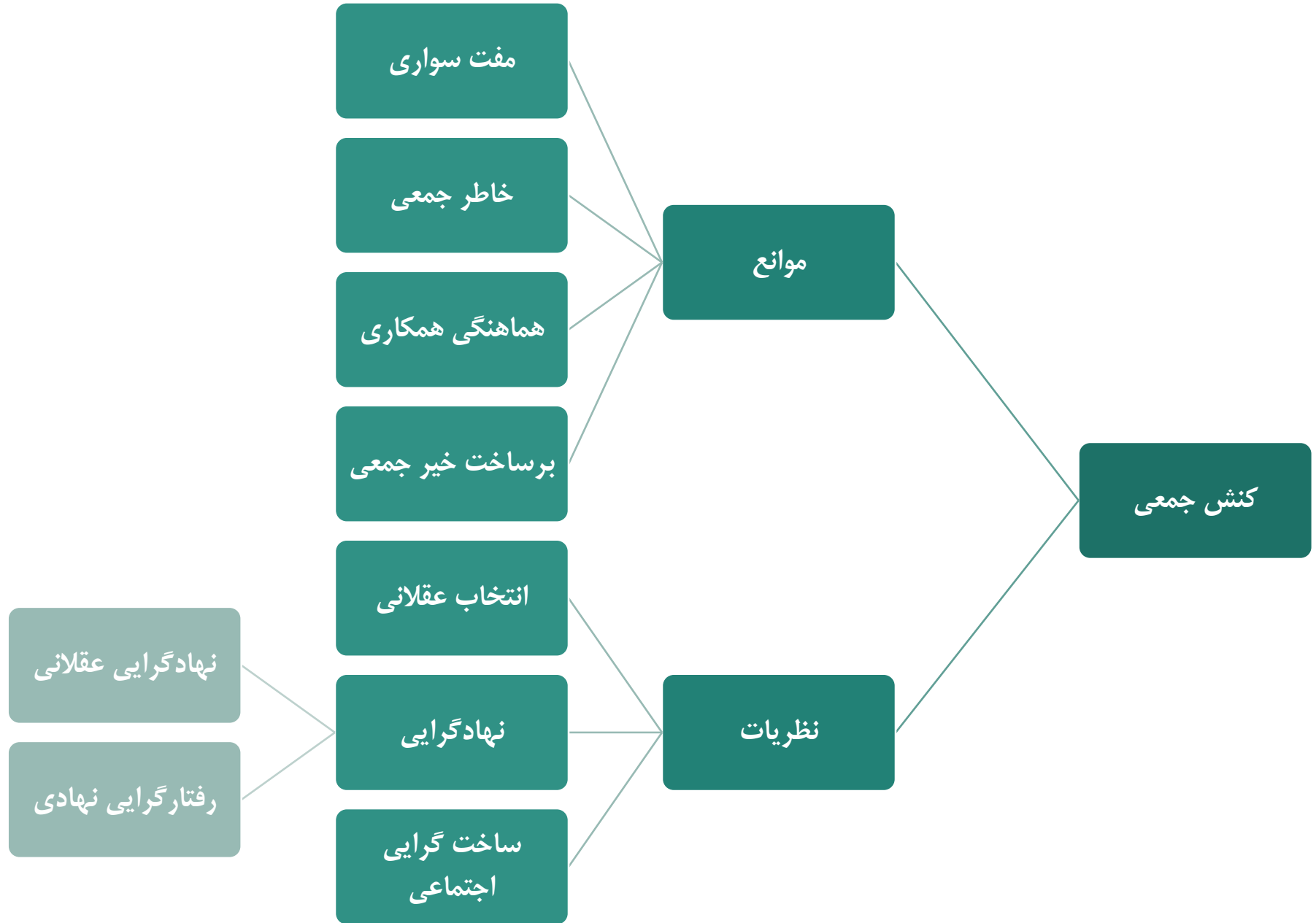


# روایت



چرا فرآخوان‌های اجتماع و سیاست به داستان نیاز دارند؟

## بخش اول



## موانع – مفت سواری

- ترجیح فرد بر استفاده از حاصل کنش جمعی دیگران
- بازی دوراهی زندان
- منطق گروه های کوچک و بزرگ متمایز کننده است
- خیرهای عمومی خالص (که خیر خصوصی نداشته باشد) اندک است. فانوس دریایی
- خیرهای پلگانی یا آستانه ای
- خیر عمومی و خیر مشترک
- با نبود خاطر جمعی در بین کنشگران، مفت سواری ثانویه ایجاد می شود

## موانع – خاطر جمعی

- رسیدن به نقطه برآورده کردن همکاری به ذهنیت افراد در مورد تعهد بستگی دارد
- بازی شکارگوزن
- خیر عمومی – خیر باشگاهی
- اگر تصمیم ما به تصمیم و حضور دیگران وابسته باشد، تحقق خیر باشگاهی هم به مشروط به خاطر جمعی می شود.
- مانند پول افراد در بانک یا عضویت در باشگاهی با تعداد اعضای محدود

## موانع – هماهنگی همکاری

- تعدد راه های همکاری
- منافع ناهمسان – تضاد منافع
- هماهنگی محدود به جمع شدن افراد نیست، شکل و شمایل و تصویر مشخص، خواسته مشخص و رفتار هماهنگ داشتن هم مطرح هستند.
- نقش موثر نهادها

## موانع – بر ساخت خیر جمعی

- کنش های جمعی نیازمند بر ساخت منفعت مشترک
- مبنای منافع مغشوش است
- منافع بنیادی بعضا واضح نیست
- منافع غیر خودمداری که نیاز به بر ساخت دارد
- چگونگی ارتباط دادن منافع به خیر جمعی / فهم کنش جمعی در نسبت با منافع

# نظریات – انتخاب عقلانی

توجه بیشتر به مفت سواری در این نظریه شده  
مشوق گزینشی را اصلی ترین عامل برای وقوع کنش جمعی میدانند

## محدودیت ها

لزوم نهادهایی برای تحقق مشوق های گزینشی  
نمی توانیم مزایای خیر خصوصی را از خیر جمعی کاملاً تفکیک کنیم. مزایای خصوصی  
کافی نیست!

نبود مشوق در بسیاری از کنش ها جمعی  
انگیزه های هویتی و بیانگرانه را توضیح نمی دهد



## نظریات – انتخاب عقلانی بازی مکرر

در روند تکرار بازی افراد بیشتر به سمت جلب نظر طرف مقابل می روند.  
رویکرد افراد از همیشه رویگردانی به سمت این به آن در می رود.

### محدودیت ها

در دوره های نهایی این بازی تبدیل به دوراهی زندان خواهد شد  
همکاری بی ثبات است. نیازمند به سازوکار های تنبیهی و بازدارنده  
فرض تکرار پذیر بودن بازی و لزوم وجود نهادهایی برای این اتفاق مستلزم دخالت  
قواعدی خارجی است.  
این حالت شرایطی که یکبار کنش جمعی اتفاق می افتد را نمی تواند توضیح دهد

# نظریات – نهادگرایی

عامل تسهیل کنش ها را نهاد ها می داند  
نهادگراها در ابتدا مسئله کنش اجتماعی را نادیده می گرفتند.

## نهادگرایی – عقلانی

- نهاد ها بر انتخاب های انسان ها اثر گذاراند
۱. تامین مزایای گزینشی، کاهش هزینه همکاری
  ۲. امکان پذیر کردن تعهد
  ۳. تبدیل تک برخورد به بازی مکرر

## محدودیت ها

فرض عقلانیت غیر واقع گرایانه است  
نهادها خود نیازمند روابط پیشینی برای شکل گیری هستند  
پیدایش نهادها تنها در شرایط بازی مکرر توجیه می شود!

# نظریات – نهادگرایی (رفتارگرایی نهادی)

انسان‌ها دارای عقلانیت محدود، محدودیت شناختی، حساسیت شناختی و به دنبال دوری از ناهماهنگی شناختی فرض انگاشته می‌شوند.

این نظریه مبتنی بر آزمایش‌های شناختی است

رفتار انسان طرح‌واره فرض می‌شود و نه تحلیلی.

بر این اساس طرح‌واره‌های از پیش موجود به ذهنیت ما شکل می‌دهند

رفتار انسان بیشتر به روال روزمره مربوط می‌شود تا به انتخاب‌هایش

در این حالت رفتار بیشتر به عادت مربوط می‌شود تا به انتخاب

معامله به مثل را رفتارگرایان حتی زمانی که در دوراهی زندان کاربردشان غیر عقلانی به نظر می‌رسد را می‌توانند توضیح دهند.

علاوه بر کنش‌های جمعی مبتنی بر عقلانیت، کنش‌های هنجاری و ناشی از عادات انسانی را نیز توضیح می‌دهد

اگر افراد برای یافتن راه حل به جست و جوی محدود رضایت بدهند و آماده کنار آمدن به جای بهینه‌سازی باشند، عرف، هنجارها و ... در نقش سازوکارهای هماهنگی بیشتر است.

در جهان در جست و جوی محدود عرف زمانی که پا بگیرد به روال عادی تبدیل می‌شود.

هماهنگی‌ها خود به خود به کنشگران تحمیل می‌شود.

محدودیت‌ها:

به علت نیاز به طرح‌واره کنش‌های غیر تکراری که نیازمند شکل‌گیری طرح‌واره هستند را نمی‌تواند توضیح دهد

چگونگی تولید طرح‌واره را هم نمی‌تواند توضیح دهد

درمورد انگیزه‌ها، آرمان‌ها، ارزش‌ها و ... توضیحی نداده است

# نظریات – ساخت گرایی اجتماعی

تجربه انسان توسط ساخت های نمادین منتقل می شود.

فهم انسانی بیشتر فرایندهای تمثیلی مربوط است تا استدلال های تحلیلی و یا طرح واره های عادی آشنا

عواطف فقط به شناخت رنگ و بو نمی دهد بلکه شناخت را هم ممکن می کند

انسان نیاز به معنادهی به تجربه و میل به هویت آفرینی دارد و از عواطف هم به اندازه استدلال یا عادت انگیزه می گیرد.

یه این ترتیب این نظریه بهتر کنش انسان ها در برابر مصائب و یا یک آرمان و انگیزه را برخلاف دو نظریه قبلی توضیح میدهد.

ساخت گرایان کنش جمعی را از بیخ و بن انکار می کنند.

نظریه قاب استثنایی است که به مسئله کنش جمعی می پردازد.

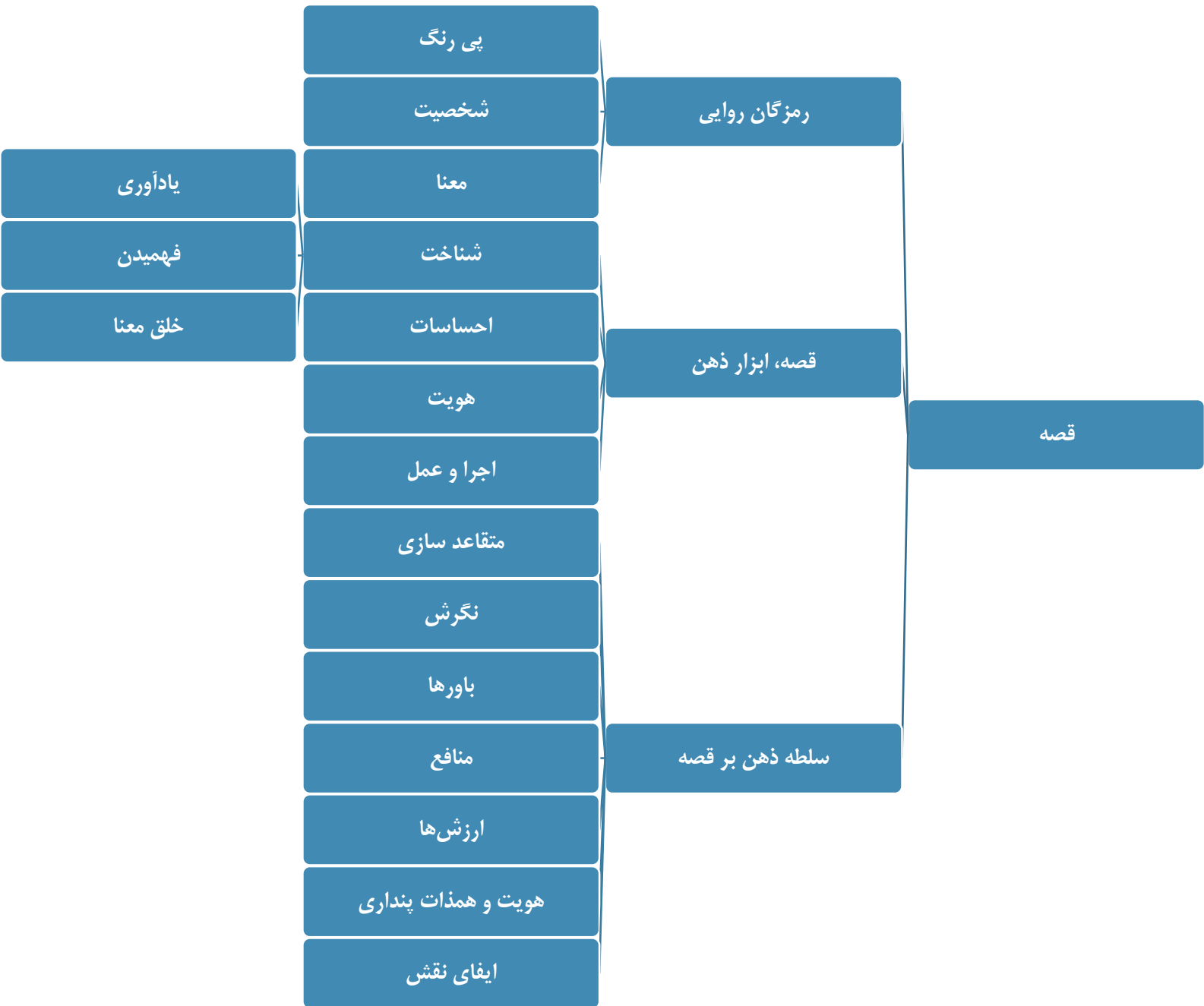
گافمن معتقد است همیشه برای هر رخداد چند تفسیر ممکن است وجود داشته باشد.

این نظریه برجسته کردن ابعادی از واقعیت را عاجی برای پرداختن به آن می دانست.

شروط لازم کنش: تنظیم قاب به منزله پیوند میان جهت گیری و تفسیرهای همه کنشگرانی که باید بایکدیگر مکمل شوند.

در نظریه قاب به خوبی موانع کنش جمعی پرداخته است. قابی که در این نظریه بیان می شود موانع خاطر جمعی، مفت سواری و برساخت جمعی را از بین می برد.  
این نظریه می تواند خلا نظریات قبلی را پر کند.

اما کماکان پاسخ چگونگی قاب بندی و همسو کردن هویت فردی و جمعی را نداده است!



در این فصل سعی شده توضیحاتی در رابطه با قصه، ساختار و اثرگذاری‌اش داده شود اما حرف جدید و روبه جلویی وجود ندارد که مزیت کتاب حساب شود.

توضیحات و تقسیم بندی‌ای هایی شده که صرفاً در فصل آخر مقصود خود را بتواند جا بیاندازد.

## پی‌رنگ

- تراژدی: سقوط
- تراژدی: خاک به خاک
- پیروزی: پیدایش و خروج
- پیروزی: رستاخیز (قالب روایت های کنش های جمعی)

# رمزگان روایی

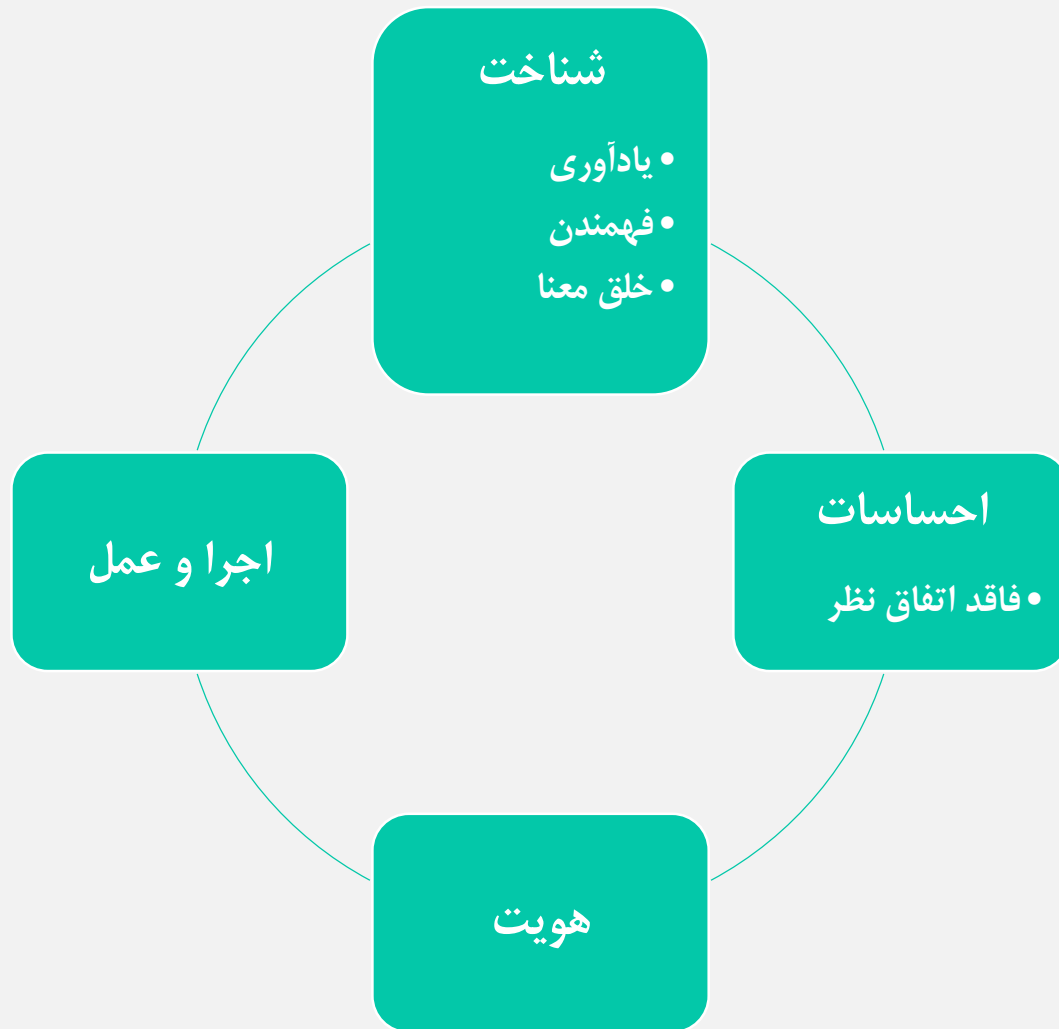
## شخصیت

- قربانی‌ها
- نجات یافتگان
- شرورها
- قهرمانان

## معنا

- قصه حاوی قضاوت اخلاقی
- تفسیرهای از یک قصه یکسان نیست
- امکان همگرایی در تفسیرها

## قصه، ابزار ذهن:



# قصه، ابزار دهن – شناخت

## یادآوری

ما روایت ها را بهتر به خاطر می سپاریم.  
بخش بزرگی از حافظه ما طرح واره است.  
بسیاری از طرح واره های ما به وسیله قصه ساخته می شوند.  
خاطره ها را بیش از آنکه به یاد بیاوریم بازآفرینی می کنیم...

## فهمیدن

فهمیدن یعنی تبدیل ادراک خام به برساخت های ذهنی منظم و دسته بندی شده  
روایت اساس اش بر توضیح عللی است.  
قرارداد های روایت به ما امکان وصل کردن نقاط را می دهند.  
روایت ها به ما امکان فهمیدن و دسته بندی می دهند.

## خلق معنا

بخشیدن معنا به رخدادها  
یادآوری و معناسازی نوعی برساخت روایی اند



# قصه، در ذهن – احساسات و هویت

## احساسات

احساسات ما روی تفکراتمان سایه می اندازند اما در مورد چگونگی آن اجماعی وجود ندارد.

ساربین: احساسات پی رنگ پردازی روایت است.

باورو کوئن: احساسات شخصی مانند غربال پالاینده عمل هستند.

## هویت

روایت ابزار تثبیت هویت است.

برونر: ما (هویت) همان روایت های خود زندگی نگارانه ای می شویم که با آن ها زندگی هایمان را وصف می کنیم.

قصه ها علاوه بر خودآگاهی نوع شخصیت ما را هم مشخص می کنند.

پیوسته در حال بازبینی و اصلاح روایت زندگی مان هستیم.

## قصه، ابزار ذهن – اجرا و عمل

استعاره صحنه نمایش؛ برونر: ما هم تماشاچی و هم بازیگر و شاید نویسنده قصه زندگی مان هستیم.

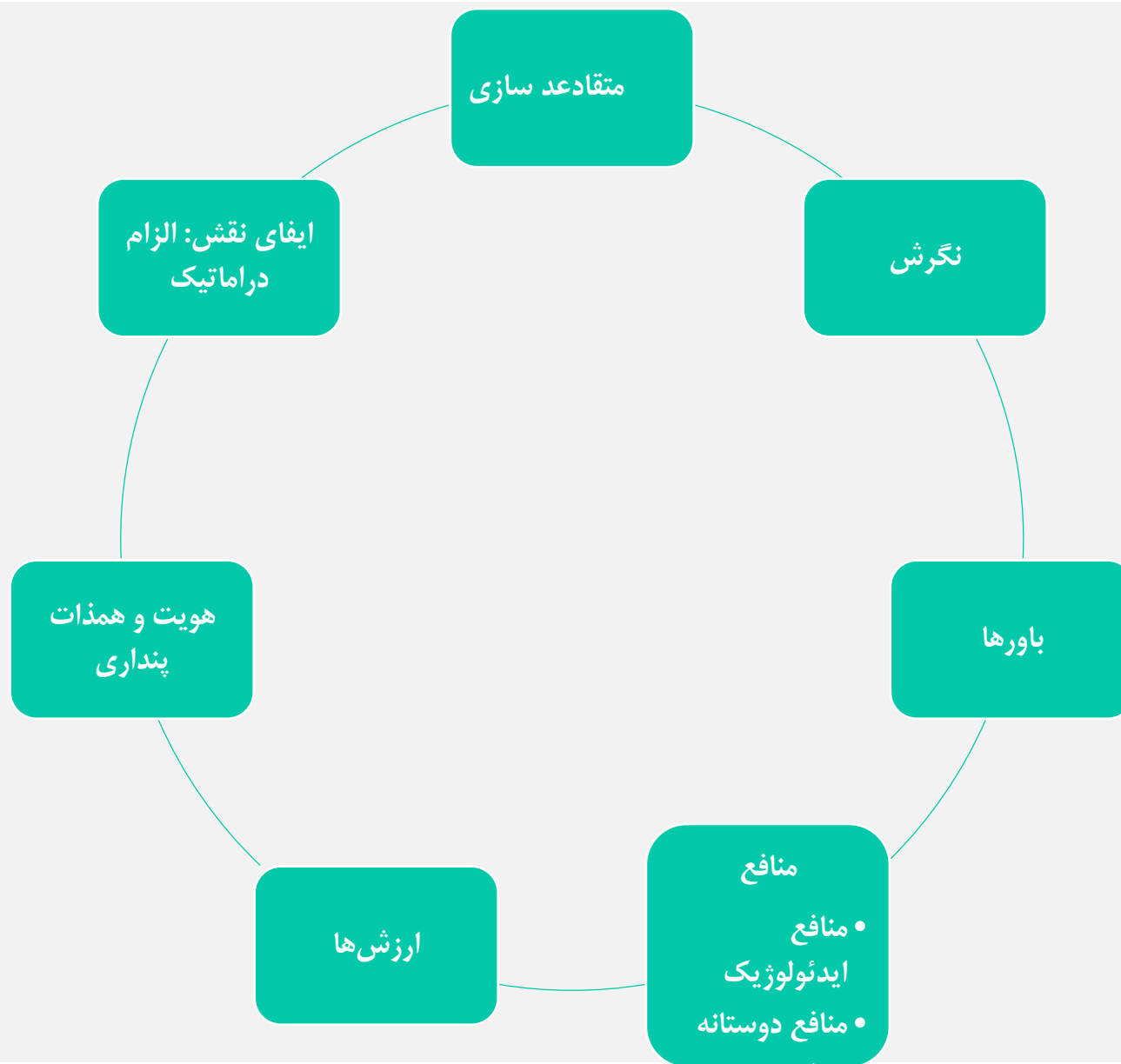
کنش های ما زمانی فهم پذیر هستند که بتوانیم ناظر به آنها قصه های معقولی روایت کنیم.

ما علاوه بر فهم شدن به دنبال تایید و بعضا همراهی دیگران هم هستیم.

ذیل هویت و روایت خود زندگی نامه ای مان ملزم به ایفای نقش دراماتیک مان می کند.

## سلطه قصه بر ذهن

- پیش فرض سلطه قصه ها بر ذهن مخاطب مفتون شدن افراد با خواندن قصه ها است.
- مفتون قصه شدن هم بستگی به میزان درگیری فعالانه با قصه دارد.
- همانند احساسات در رابطه با چگونگی تغییر هر کدام را توضیح نمی دهد.



# سلطه قصه بر ذهن

## متقاعدسازی

وقتی قصه ای ذهنمان را تسخیر می کند، می تواند نگرش ها، باورها و منافع و دغدغه هایمان را دگرگون کند.

## نگرش

بازاریاب ها خوب می دانند قصه چه اثری می تواند داشته باشد  
آگهی تبلیغاتی اسنیکرز  
تغییر نگاه مردم به ایدز تحت تاثیر روایت ها

## باورها

غیرمستقیم و تحت تاثیر نگرش ها  
پذیرش پیش فرض قصه های مفتون شده و استباط روایی  
تیموتی براك و ملانی گرین نشان میدهند که قرار گرفتن در معرض روایتی با پیامی تلویجی و پوشیده شده بر باورهایمان تاثیرگذار است. هرچه شدت مفتون شدن بیشتر باشد، اثر پیام هم بیشتر است.

# سلطه قصه بر ذهن

## منافع

مهم ترین تاثیر روایت از دیدگاه کنش جمعی بر روی منافع و دغدغه هایمان است.  
غیر مستقیم تحت تاثیر باورها هستند.  
بسیاری از منافع حتی منافع خودمدار نیاز به برساخته شدن دارند

## ارزش ها

روایت هم در تثبیت ارزش های بنیادین نقش مرکزی دارد و هم در قاب بندی مسائل در چهارچوب بندی این ارزش ها (طرح واره ها)

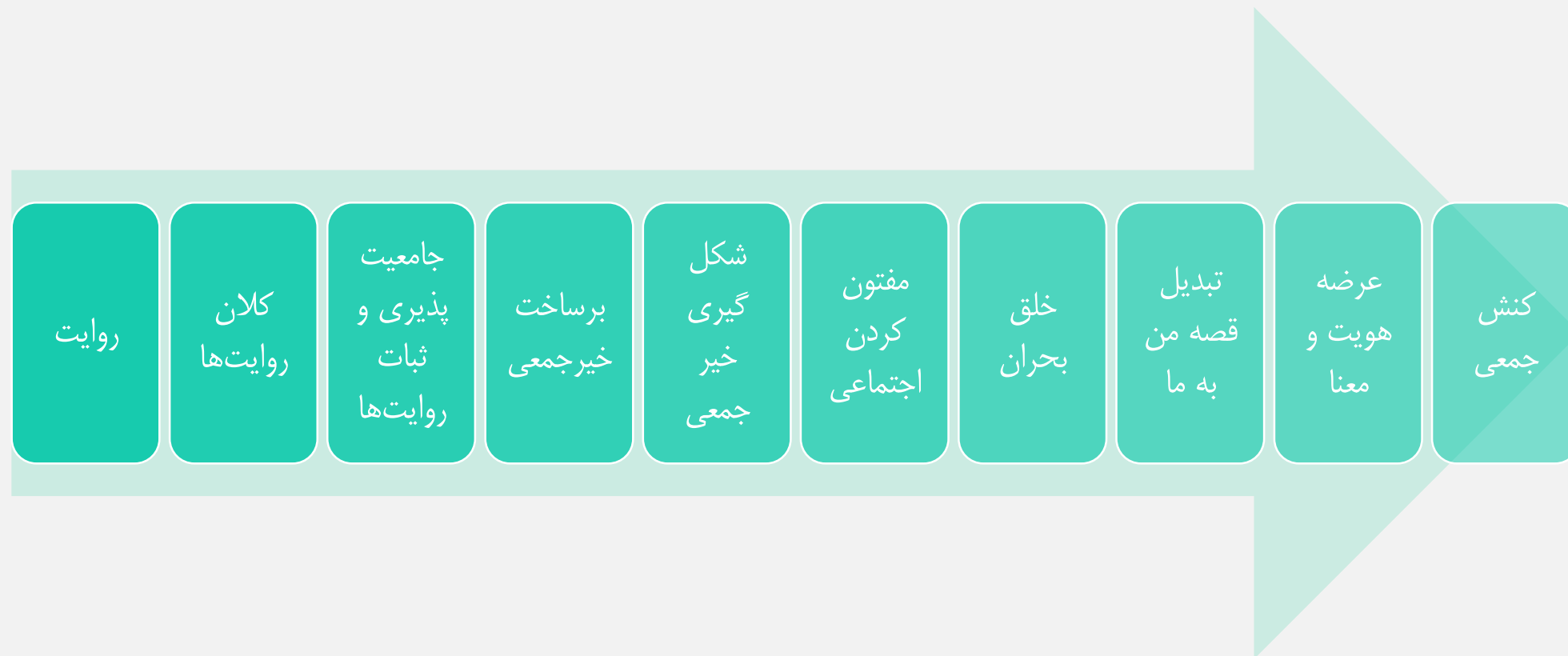
## هویت و همذات پنداری

همذات پنداری زاویه نگاه متفاوتی به ما میدهد.  
می توانیم خود را جای نقشی قرار بدهیم و زندگی را متفاوت تصور کنیم.  
زندگی نامه بزرگان

## ایفای نقش

اگر با شخصیتی همذات پنداری کنیم الزام دراماتیک قصه ما را ملزم به ایفای آن نقش می کند  
داستان مسابقه فوتبال آمریکایی

# نقشه هوایی روایت تا کنش جمعی



## جامعه و روایت ها؛ فرهنگ

سیاست هرقومی همانی است که در خیالش می پروراند  
یک فرهنگ بودن یعنی اشتراک داشتن در مجموعه ای از روایت های عمومی، تاریخی،  
دینی، ایدئولوژیک و عامیانه  
مجموعه روایت ها حول روایتی کلان تر شکل میگیرند.  
مثال محافظه کاران و لیبرالیسم های آمریکایی که هردو کلان روایت و مجموعه روایت  
هایی را بعضا در تضاد با یکدیگر در دل خود دارند.

# از روایت تا شکل‌گیری خیر جمعی





# کلان روایت‌ها

## هویت جمعی

روایت‌های عمومی برای جامعه همان کارکردی را حدوداً دارند که روایت‌های خصوصی برای افراد دارند. روایت‌ها پیامد عضویت در یک اجتماع نیستند بلکه در وهله اول کمک می‌کنند که یک اجتماعی بسازیم. رخدادهای ناسازگار معمولاً روایت نمی‌شوند در روایت‌های تاریخی جایی ندارند.

مثال آتش افروزی شرمین‌ها در جنگ اتلانتا

جهان بینی و منش‌ها

روایت‌های تاریخی جهان بینی و منش‌های اجتماعی را پی می‌افکنند. روایت‌ها محمل باورها، باورها و .. گروه‌های هم‌هویت هستند.

# برساخت خیر جمعی

## خیر جمعی خودمدار

منافع حقیقی فردی نیز همیشه واضح نیستند و نیاز به برساخت دارند.  
مانند ناملموس بودن جنگ با آلمان ها برای بعضی انگلیسی ها حتی زمانی که فرانسه هم مورد هجوم قرار گرفته بود.

## خیر جمعی غیر خودمدار

کک و سیکینگ برای کنشگری فراكشوری درباره یک معضل معتقدند باید آن را به یک قصه عللی ای ربط داد.  
ایجاد همدلی و دغدغه حول موضوعات حقوق بشر مستلزم برساخت دیگری که هم‌نوا با جهان بینی و منش جامعه های مختلف باشد نیز هست.  
کتاب بهار خاموش در حوزه محیط زیست

## منفعت جمعی

منافع مشترک به جای منفعت جمعی  
آیا کنشگران یک گروه برای منافع جمعی و حتی مغیر با منافع شخصی شان دست به کنش خواهند زد؟

# جامعیت پذیری و ثبات روایت‌ها

## تزامن جامعیت پذیری فرهنگ‌ها و عاملیت افراد

جامعه‌شناسان تاثیر فرآیندها و ساختارها بر افراد را بسیار پررنگ می‌دانند  
ورچ مبتنی بر آرای ویگوتسکی: ما در میانه زندگی می‌کنیم. جایی میان نیروهای فرهنگی و عاملیت فردی. او  
به واسطه گری روایت میان جامعه و ذهن تاکید میکند.

## ثبات روایت‌ها در جامعه

شوارتس: با نگاهی به قصه واشنگتن در بیشتر موارد می‌بینیم گذشته نه کاملاً بی‌ثبات و نه کاملاً متغییر  
بازنمایی می‌شود. تصویر ما از انقلاب اسلامی یا عاشورا  
گرچه روایت‌های فرهنگی می‌توانند یک موجودی آغازین محسوب شوند اما عاملیت فردی گوینده را نمی‌شود نادیده انگاشت.  
جیل لپور در رابطه با تاریخ انقلاب آمریکا این را اشاره می‌کند: انقلاب فقط یک شروع بود. نبرد بر سر  
معنایش ممکن است پایانی نداشته باشد.

# کنش جمعی، قدم اول

برساخت خیر جمعی را نقطه شروع تحلیل کنش جمعی می توان دانست.

برای تحقق خیر جمعی اول باید به وسوسه مفت سواری غلبه کنیم...

حضور در برنامه های مهمی که می توانی نیروی...

راه حل های قبلی صاحب نظران پیرامون برطرف کردن این مانع

۱. مشوق های گزینشی

۲. ساختارمند کردن بده بستان های مکرر

۳. توانمند کردن نهادها

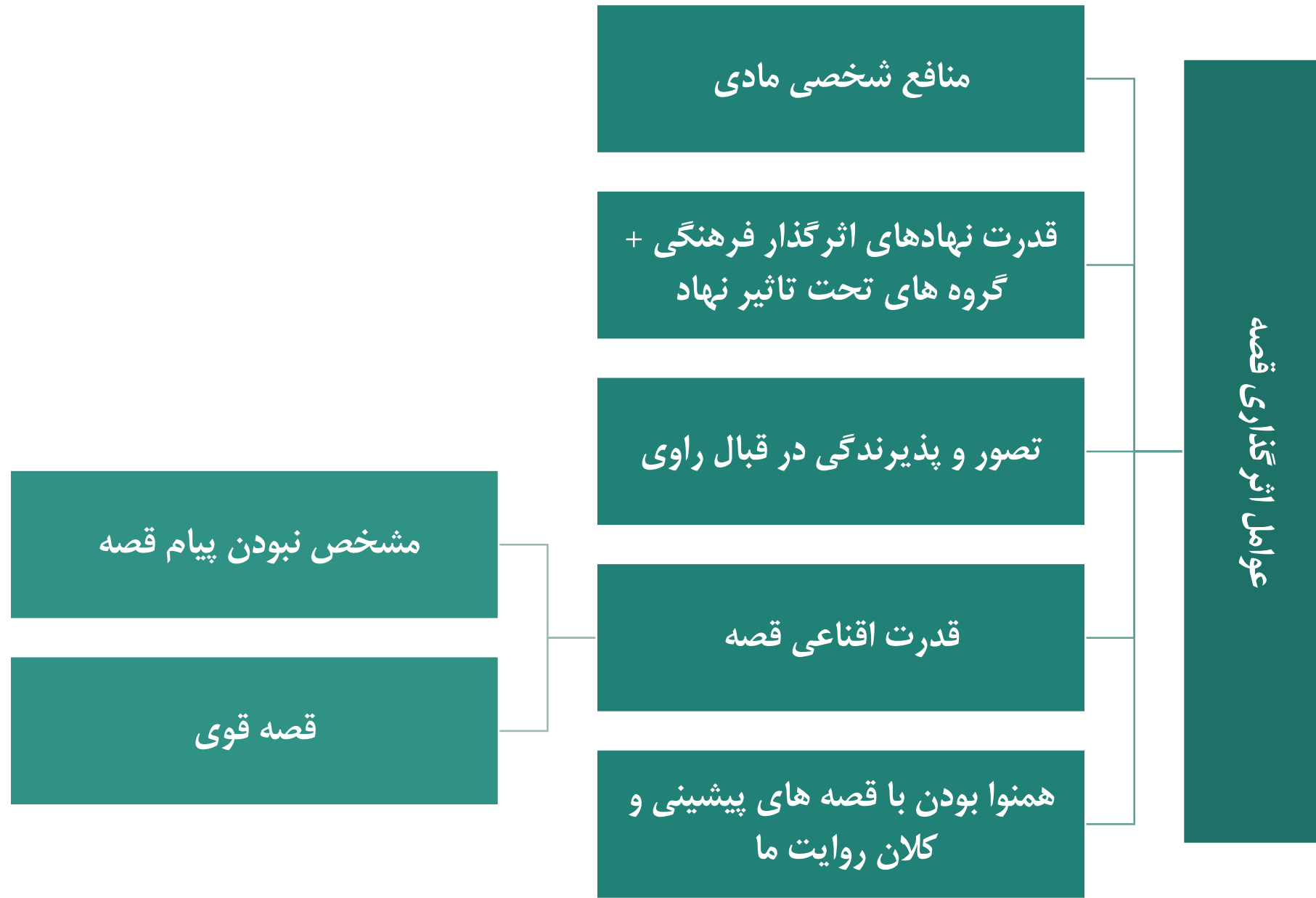
اما علارغم این پاسخ ها مواردی از کنش های جمعی را شاهد هستیم که بدون این راه حل ها موانع کنش برطرف

شده است که با این موارد هم نمی توان آنها را توضیح داد.

# برانگیختن کنش جمعی

روایت مفتون کننده می تواند مشارکت در کنش جمعی را به منبع مزایای بیانگرانه یا هویتی تبدیل کند و افراد را به همکاری وادارد. رهبران اجتماعی سعی می کنند کنش را مفتون روایت دراماتیکی کنند که به برهه حال معنا میبخشد





# نسبت روایت ها با موانع کنش جمعی

## مفت سواری

اگر رضایت شخصی از ایفای نقش دراماتیک به وجود نیاید همچنان مفت سواری باقی می ماند.

## خاطر جمعی

روایت به واسطه اثرگذاری در احساسات انسانی اسباب تعهد آفرینی را ایجاد می کند.  
تشخیص میزان تعهد افراد به میزان توانایی ما وابسته است.  
پی رنگ و الزام دراماتیک شخصیت ها ما را می تواند متعهد کند. / طبق نظریه مردمی روایت  
شیفتگی نشان دادن منجر به باور کردن تعهد پذیری اعضای کنشگر می شود.

## هماهنگی همکاری

روایت مشترک می تواند رفتار هماهنگ پدید آورد.  
تصورهای ما به کنش ها و اقداماتمان معنا می بخشد.  
سنت های مختلف فرهنگی موجود در جوامع کنش های تاریخی و تکراری را از خود به جای می گذارند.

## برساخت اجتماعی





